

مجلسیان مشروطه خواه طالب ترجمه تأملی در باب «جایگاه ترجمه» در روزنامه مجلس

فرهاد طاهری

نویسنده و پژوهشگر تاریخ فرهنگ معاصر ایران

اشاره:

امر ملوکانه توشیح انتشار روزنامه مجلس، که به گفته احمد کسروی «دومین روزنامه زمان آزادی، پس از روزنامه انجمن تبریز» بود^۱، حدود پنجاه روز بعد از افتتاح دارالشورای ملی (۱۸ شعبان ۱۳۲۴ق) در متن «سواد دستخط مبارک همایونی» به شرف صدور رسید و نخستین شماره این روزنامه که صفحه آغازینش مزین به «تمثال همایون اعلیحضرت سلطان مظفرالدین شاه» بود، در یکشنبه هشتم شوال المکرم ۱۳۲۴ق/ سوم آذر ۱۲۸۵، در تهران، پایتخت ممالک محروسه ایران، منتشر شد. عمر روزنامه مجلس پنج سال بود و تا پنجشنبه ۲۷ جمادی الاخر ۱۳۳۰ق، ۷۶۴ شماره از آن مجال انتشار یافت. در باب اسباب سیاسی یا فرهنگی و انگیزه انتشار روزنامه و نام مؤسسان آن، در منابع تاریخ معاصر ایران گفته‌هایی ناهم قول آمده است. میرزایحیی دولت‌آبادی (۱۲۴۱ش تا ۱۳۱۸ش) از روشنفکران و پیشکسوتان ترقی خواه مدعی است که فکر انتشار روزنامه‌ای با عنوان «مجلس» را نخستین بار او مطرح کرده اما دسیسه‌ها و تنگ‌نظری‌ها مانع از آن شده است که این روزنامه به مدیر مسئولی و تدبیر او انتشار یابد و بدخواهان، اداره روزنامه مجلس را به عهده میرزا محسن، داماد سید عبدالله بهبهانی و برادر صدرالعلما سپرده‌اند^۲. پس از آنکه امتیاز و تصدی امور روزنامه مجلس، به گفته محیط طباطبایی، به «عهده کفایت جناب آقا میرزا محسن مجتهد» گذاشته شد و او «در خود مجال و کفایت تعهد انتشار آن را سراغ نیافت»^۳ اداره و مدیریت روزنامه به میرزا محمدصادق طباطبایی، فرزند سید محمد طباطبایی، و دبیری و سردبیری نیز نخست به ادیب الممالک فراهانی و بعدها به شیخ یحیی کاشانی سپرده شد.

روزنامه مجلس، همچنین در تاریخ سانسور و سرگذشت مطبوعات ایران، نظرگیر و درخور

تأمل بود؛ مجلس، نخستین روزنامه در پایتخت بود که «مستقل از وزارت انطباعات، [اجازه انتشار آن] از سوی مظفرالدین شاه صادر شد. هیچ‌گاه برای بازرسی و سانسور به وزارت انطباعات نرفت و به صورت علنی در سطحی وسیع منتشر می شد...»^۴ به همین سبب هم آن را «راهگشای مطبوعات صدر مشروطه و میوه درختی» دانسته‌اند «که در عرصه روزنامه‌نگاری ملی، مشیرالدوله (سپهسالار)، و سیدجمال‌الدین اسدآبادی و دیگران در تعهد به قلم مردمی و مرفقی از سالیان پیش کاشتند.»^۵ در نخستین شماره، سردبیر، ادیب‌الممالک، طی یادداشت‌هایی با عنوان «مقدمه» و «فوائد مجلس» و همچنین مدیر، میرزا محمدصادق طباطبایی، در ذیل سرمقاله‌ای با عنوان «افاده مخصوص»، اهداف و اسلوب و حدود و ثغور مطالب و مندرجات روزنامه را به قلم آورده‌اند. *روزنامه مجلس* در بردارنده ستون‌ها و بخش‌هایی با این عناوین بود: مذاکرات مجلس (شرح گفت‌وگوی نمایندگان و متن نطق‌های پیش از دستور)، مکتوب شهری، اخبار وقایع شهری، اخبار خارجه، ترجمه اخبار خارجه، اعلان، اخبار داخله، تلگرافات، انتشار جراید در ایران، مقالات، ادبیات و ... در ذیل این عناوین هم می‌توان گفت اهم موضوعات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مطمح نظر در اداره کشور، مجال طرح و انتشار می‌یافت. همچنین گاه مباحثی در حوزه فرهنگ و مسائل مرتبط بدان، صفحاتی از روزنامه را در بر می‌گرفت از جمله: حمایت قانون اساسی از مطبوعات و آزادی بیان، واکنش در برابر نشر اکاذیب و اهانت در مطبوعات، توقیف روزنامه‌ها، حقوق اعضای دارالانشاء و تندنویسیان، و اهمیت زبان و خط فارسی.^۶

مجلسیان مشروطه‌خواه طالب ترجمه

یکی دیگر از مسائل بسیار مهم فرهنگی، که در صفحات *روزنامه مجلس* گه‌گاه به چشم می‌آید و بی‌تردید نشانه‌ای از دغدغه مجلسیان مشروطه‌خواه است، موضوع ترجمه به زبان فارسی و اهمیت آن در نظر نمایندگان است. توجه به اهمیت ترجمه در ستون‌های *روزنامه مجلس*، (ستون شرح مذاکرات مجلس، مکتوب شهری، و اعلان) و نیز اختصاص یافتن ستونی با عنوان «ترجمه اخبار خارجه» یا «نقل از جراید خارجه» در این روزنامه، حکایت‌گر نوع و نحوه تفکر تازه‌یاب و تجددخواه نمایندگان نخستین دوره مجلس قانون‌گذاری در ایران است که درباره ترجمه چه می‌اندیشیده و چه می‌گفته‌اند؟ بررسی شواهدی از *روزنامه مجلس* در این باب، پاسخ برخی از این پرسش‌ها را در اختیار خواهد گذاشت.

نخستین بار توجه نمایندگان مجلس به ترجمه و لزوم آن در ضمن بحث‌ها و نطق‌هایی جلب می‌شود که بر سر توسعه و تمهید راه‌های ترقی کشور، عقب‌نماندن از قافله علوم جدید،

آموزش علوم و فنون غربی در مدارس، و در یک کلام در باب در انداختن طرحی نو در تدبیر امور اساسی و سرنوشت ساز ایران در گرفته است. همچنین در مکتوباتی که در همین زمینه ها به قلم آمده و در روزنامه مجلس منتشر شده، توجه به ترجمه مشهود است. بیان صریح در خصوص ناکارآمدی و ناتوانی نظام تعلیم و تربیت رسمی و دولتی در آموزش زبان خارجی، اذعان به کاستی ها و نارسایی های زبان فارسی در انتقال و بیان مفاهیم و اصطلاحات علمی، اشاره به لزوم تقویت زبان فارسی در ترجمه پذیری مفاهیم، و متذکر شدن اهمیت فراگیری یکی از زبان های غربی برای اهل فن و دانشمندان، از نکته های بسیار حائز تأمل، و در عین حال شگفت، در محتوای این سخنان است؛ چرا که بعد از گذشت بیش از صد سال، این ملاحظات همچنان به قوت خود باقی است! بخشی از نطق نماینده ای به نام حاج میرزا علی آقا:

تمام این علوم [مدرسه فلاح] برای این مملکت لازم است و باید ترتیبات آن را فراهم نمود ولی از روی ترتیب صحیح. بنده یک وقتی در مدرسه درس می خواندم و سال ها هم تحصیل عربیت کردم ولی اگر از من یک لغت عربی بپرسند شاید ندانم و اگر یک کتاب عربی که دارای لغت و اصطلاحات باشد بدهند که ترجمه کنم نمی توانم. از جناب وزیر سؤال می کنم که اگر می شود این علوم را به زبان وطنی ترجمه کرده که همه کس بتواند تحصیل کند و زودتر به مقصود نایل گردد. این کار را بکنند بهتر است و اگر اسباب آن فراهم و موجود نیست پس آن شاگردانی که درست تحصیل زبان فرانسه کردند و عالم به لغت هستند آنها را وادارید برای تحصیل این علوم ... (مجلس، سه شنبه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۶، ش ۱۰۸، ص ۳)

در نوشته ای با عنوان «مکتوب از تفلیس، قابل اعتناء وزارت معارف»، به امضای عبدالکریم طباطبایی، که در ستون مکتوبات منتشر شده، چنین آمده است:

در نمره سوم سال دوم جریده مقدس مجلس، شرحی در خصوص امتحانات فرانسه در مدرسه دارالفنون دولتی قید فرموده بودند که کسانی که امتحانات زبان فرانسه را موافق شرایط مدرسه بدهند اخذ دیپلوم خواهند نمود. بلی عجالتاً چون هنوز زبان ملی ما توسعه پیدا ننموده و شخص نمی تواند تمام مطالب و دانستی را به زبان فارسی تحصیل نماید بدیهی است که تحصیل یک زبان خارجه برای قاطبه ایرانیانی که بخواهند در صراط علم داخل شوند و دانستی ها را بدانند لازم است. امروزه به واسطه اشاعه زبان فرانسه در مملکت، اسباب تحصیل زبان مذکور به درجات از سایر السنه فراهم تر است. و البته که فایده تحصیل زبان فرانسه که در اروپا سمت اولیت دارد از سایر السنه نیز زیادتر می باشد. ولی مقصودی که از عرض این مختصر دارد آن است که امروز عموم ایرانیان حتی الامکان باید جاهد و سعی باشند که کلیه علوم به زبان فارسی ترجمه شود تا تمام علوم ابتدائیه و عالییه را به زبان

وطني خود بتوانيم تحصيل نمائيم و اينكه تحصيل زبان فرانسه يا يك زبان اروپايي ديگر را به طور تکميل براي شاگردان مدارس لازم مي دانيم فقط براي آن است که هرکس به قدر قوه خويش آنچه را مي فهمد به فارسي ترجمه نمايد. چه تا تمام علوم به زبان ملي ترجمه و تأليف نشود هرگز نور علم در مملکت ما طلوع نخواهد کرد و آفتاب تمدن به کليه نفوس ايران نمي تابد. اراضی عقيمه وطن عزيز سبز و خرم نمي شود و زندگاني جديد ايران شروع نمي گردد. (سه شنبه ۲۳ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۵، ش ۳۵، ص ۲-۳)

مجلس، روزنامه‌ای بود که هدف اصلی خود را در این امور می دانست:

چون این روزنامه، اول روزنامه آزاد و نخستین جریده ملی است که با شرایط لازمه و ترتیبات جامعه به عزم خدمت وطن و ابناء وطن و ترویج و ترقی و حمایت و مدافعه حقوق عالم اسلامیت ... دامن همت به کمر زده و آستین خدمت بالا کرده قدم به عرصه و عالم وجود می گذارد و به اجرا و انجام وظایف و تکالیف مقدسه خود می پردازد و در این آب و خاک پاک که زاد و بوم مقدس ما و چشم و چراغ ممالک اسلامی ... است طبع و نشر می شود رجا واثق و امید عاجل از همم عالیه ارباب حس و صاحبان دقت آن است که به حُسن قبول تلقی و منظور انظار دقیقه صاحب نظران ذی حس و دانشمندان معارف دوست دقیق و هواخواهان عالم انسانیت و طالبان پیشرفت و تمدن و تربیت مملکت شود ... (یکشنبه هشتم شوال المکرم ۱۳۲۴، ش ۱، ص ۲)

بنابراین، در تحقق ادای وظیفه، روزنامه آزاد و جریده ملی می کوشید تا همواره در جهت تنویر افکار و آگاه کردن جامعه و مبارزه با استبداد قدم بردارد. انتشار ترجمه اخبار و تلگرافات‌ها درباره آن موضوعات، به نقل از مطبوعات خارجی، به همین نیت بود. به اعتقاد دکتر محمد اسماعیل رضوانی در روزنامه مجلس، مقالات جراید دیگر، به خصوص جراید کشورهای عربی و به خصوص روزنامه یومیة اللؤلؤ ترجمه شده است. البته در این ترجمه‌ها مقالاتی انتخاب می شده که به نحوی از انحا جنبه تبلیغ در تأیید مشروطیت داشته است. در این روزنامه یک ستون اختصاص به درج اخبار تلگرافی خارج داشته و اخبار جهان فهرست وار چاپ می شده است. ظاهراً در چاپ این گونه اخبار نظر خاصی وجود نداشته است. اخباری از ایران که در روزنامه‌های مهم عالم از جمله تایمز به چاپ می رسیده مجدداً ترجمه می شده و در روزنامه مجلس چاپ می شده است و در این باره در بعضی از شماره‌ها ستون خاصی دارد تحت عنوان انتشار جراید اروپا در ایران^۷. به نظر می رسد انتشار چنین اخباری، این پیام را نیز برای مخاطبان خود داشته است که گردانندگان روزنامه مجلس، از اخبار و احوال دنیا بی اطلاع نبوده یا خود را به بی خبری نزده‌اند. همه این اهداف البته از

مجرای ترجمه محقق می‌شد. این دسته از مطالب روزنامه مجلس را همچنین می‌توان از نمونه های بارز آثار ترجمه از زبان‌های رایج آن روزگار (زبان فرانسوی و عربی) در عالم روزنامه نگاری و اطلاع‌رسانی در تاریخ معاصر ایران دانست. هرچند مترجم یا مترجمان این آثار در روزنامه مجلس متأسفانه نامعلوم است. به نظر می‌رسد باتوجه به قرائن شرح حال و سوابق مطبوعاتی سردبیران روزنامه مجلس، ادیب‌الممالک فراهانی و شیخ‌یحیی کاشانی، ترجمه این اخبار و گزارش‌ها به قلم آنان بوده است.

شرح ذیل را از روزنامه ژاپن موسوم به چیچی در تحت عنوان «لدستور فی الیابان» [نقل از جریده یومیه «اللو» منطبعه مصر] ترجمه و شایع نموده است. نگارنده چیچی گوید: محاربه ما با روس وضع عالم را تغییر داد و تأثیری نمایان در علوم حربیه و بحریه و پولتیک و سیاسی کل دول بخشید و در افکار و عقاید مللی که تحت قید اسارت و سلسله استبداد به‌سختی زندگی می‌کردند تغییرات بزرگ پدید آورد. بر هر کس واجب است که باکمال دقت نظر و مراقبت فکر اندازه سرعت و حرکت نفوذ حریت و قانون مملکت ما را در افکار و قلوب رعایای روس و ایران و چین درنگرد که چگونه آن‌ها فائزاً قدرت آن در تزايد است. بدون مبالغه و اغراق می‌توانیم بگوئیم که اهالی ایران از آنجاکه غلبه ما را به دولت روس از راه نفوذ حریت استیلای قانون شناخته و تعیین کردند که مملکت ما به‌واسطه این دو حامی بزرگ جان خود را از چنگال دشمن شمالی رهانیده و به مقاصد عالیه خویش نائل شده است ... (سه‌شنبه دهم شوال‌المکرم ۱۳۲۴، سال اول، ش ۲، ص ۲-۳).

نمونه دیگر، اخباری از ایران که در روزنامه‌های معتبر جهان، مانند تایمز، به چاپ رسیده و به فارسی ترجمه و در روزنامه مجلس منتشر شده است.

انتشار جراید اروپا در ایران

نقل از روزنامه طیمس، اکتبر از [سن پترزبورغ]

تلگرافی از طهران به تاریخ دیروز می‌گوید نظامنامه قوانین اساسی که مجلس ملی ترتیب داده هنوز به صحنه شاه نرسیده. وزرا لایحه دیگری اظهار کرده‌اند که مطالبه قدرت زیاد به جهت شورای دولتی می‌نماید. این لایحه در میان دسته اصلاح‌طلبان اسباب هیجان زیاد شده است. از [اسلامبول] به تاریخ ... به‌واسطه رفتار ناسازگار مأمورین عثمانی در [کمسیون] سرحد ایران و عثمانی سفیر ایران با سفارت انگلیس و روس مذاکره نموده ایشان را وادار به مداخله در این کار نمایند که برطبق قرارداد عثمانی و ایران در سنه ۱۸۶۹ در این مشکل قرار عادلانه بگذارند از قرار معلوم سفارتخانه‌های مزبور جواب مساعد داده‌اند ... (جمعه ۲۷ شوال‌المکرم ۱۳۲۴، سال اول، ش ۱۱، ص ۳).

از شواهد جالب توجه دیگر از ترجمه در روزنامه مجلس، متن پیام تبریک مجلس شورای ملی در افتتاح دومای روسیه و پاسخ دوما، به زبان فارسی و فرانسوی است. این پیام تبریک و پاسخ آن، در عین آنکه نمونه‌ای است از اسناد روابط دیپلماتیک و بین‌الملل میان ایران و همسایه شمالی خود، مبین نوعی طریقه مماشات و رفتار سیاسی نمایندگان مجلس شورای ملی در رعایت مصالح ایران، آن هم در سال اول نخستین دوره نهاد قانون‌گذاری است. همچنین تأمل در متن فارسی و تطبیق آن با متن فرانسوی، حائز نکاتی در باب بعضی ریزه کاری‌ها و فنون ترجمه از جمله لحن و بافت کلام و تشخیص زبان و فارسی فخمانه است.

ترجمه تلگراف از طرف مجلس محترم شورای ملی ایران به دومای روسیه.

به پترزبورغ (دوما)، مجلس مبعوثان ایران تبریک و تهنیت می‌گوید مجلس محترم دوما را در موقع خجسته افتتاح آن. از آنجاکه روح حریت طلبی که سبب هیجان این دو مجلس محترم است در اصل یکی است و تمام ملل در تسطیح جاده عدالت برادرند مجلس محترم جوان ایران با کمال افتخار و شرف از صمیم قلب دعا می‌کند بهره‌مندی و نیل به مقصود آن همزاد محترم ارشدش را. و با آن مجلس محترم هم صدا شده به آواز بلند فریاد می‌کند زنده‌باد آزادی ملل و زنده‌باد عدالت. مجلس شورای ملی ایران.

ترجمه تلگراف دومای روس در جواب تبریک مجلس محترم شورای ملی ایران.

از پترزبورغ به طهران. دومای مملکت امپراطوری روس از مجلس شورای ملی ایران متمنی است که اظهار تشکر و امتنان وی را در جواب تبریکات و آمال خیریه خود به حسن قبول تلقی کند. از عبارتی که از روی هواخواهی آزادی و عدالت و برادری ملل در تلگرام متبرکه مندرج بود صدای هم‌رنگی و موافقت در فضای دوما پیچیده هر دو مجلس که تقریباً در زمان واحد ابواب سعادت و نیک‌بختی بر ملتین گشوده و برای اصلاح احوال و تحصیل آسایش و رفاه نوعیه با میلی ثابت و نشاطی صادق مهیا و بیدار شده‌اند اعتقاد راسخ و یقین کامل دارند که هر قدمی در این راه خیر بردارند میعاد غلبه کلمه حق و فتح و نصرت صلح ابدی را نزدیک‌تر و حرکت ایران را به سرمنزله آزادی و حریت سریع‌تر کرده‌اند. زنده‌باد مجلس ملی ایران، پاینده و جاوید باد مکنوناتی که موجب اتحاد و اتفاق نمایندگان مجلسین است. رئیس دومای مملکت امپراطوری روس کلونین. (۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، سال اول، ش ۸۷، ص ۴)

روزنامه مجلس، از معرفی شاهکارهای ادبیات جهان که به فارسی ترجمه شده نیز غافل نبوده، از جمله در اعلانی به خوانندگان درباره کتاب «دکامرون» خبر داده است :

کتاب دکامرون از تصنیفات ژان یکاس فلرانی که سر تا پا پند و موعظه و عبارات عذب البیان و قصص واقعه و حکایات نتیجه آن سر مشق امر پیر و جوان و پند و اندرز عامی و اعلی است مشتمل بر دو جلد می باشد. جلد اول آن را میرزا احمدخان دریابگی از زبان فرانسه به زبان عذب البیان فارسی ترجمه نموده و در مطبعه مظفری بوشهر به خط خوب و کاغذ مرغوب، به مناسبت هر حکایت تصویری نیز ترسیم کرده به طبع رسانده عنقریب جلد ثانی آن هم به طبع خواهد شد و برای طالبان علم منتشر خواهد شد. قیمت جلد اول از قرار سه تومان و نیم در تیمچه کتابفروش ها (در حجره آقا میرزا ابراهیم تبریزی) و در شمس العماره در کتابخانه شرافت به فروش می رسد. هر کس طالب است رجوع به نقاط مذکوره فرمایند (ربیع الاول ۱۳۲۵، سال اول، ش ۸۷، ص ۴)

آنچه گذشت تأملی گذرا بود در نحوه توجه و تفکر مجلسیان آزادی خواه در باب ترجمه، آن هم در نخستین سال های پاگرفتن جنبش مشروطه و تأسیس نهاد قانون گذاری در ایران. با ورق زدن صفحات روزنامه مجلس و مطالعه ستون هایی که روایت گر سرگذشت و ماجرای ترجمه در ایران است این پرسش شاید در اذهان بسیاری جان می گیرد که در عالم ترجمه، لاقفل از همین صد سال گذشته تا امروز، چند قدم به جلو برداشته ایم؟

پی نوشت ها:

- ۱ کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران*، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۵۳، ص ۱۸۳.
- ۲ دولت آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، انتشارات عطار، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۰-۹۵؛
- ۳ محیط طباطبایی، سیدمحمد، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، مؤسسه انتشارات بعثت، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۱۰.
- ۴ کهن، گوئل، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، جلد دوم، (از صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی)، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۲، ص ۴۹، ۳۱۳.
- ۵ همان، ص ۴۹
- ۶ در کتاب *سیر تحول ادبیات ژورنالیستی در زبان فارسی* (دفتر دوم، مجری و ویراستار: احمدسمیعی گیلانی، دبیر علمی و ناظر پژوهشی: حسن میرعابدینی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، درآستانه انتشار)، نویسنده در فصلی مشروح به اهمیت روزنامه مجلس در تاریخ مطبوعات ایران و ویژگی های ادبی و محتوایی آن پرداخته است.
- ۷ رضوانی، محمداسماعیل، «روزنامه مجلس: نخستین روزنامه تهران پس از مشروطه»، *تاریخ معاصر ایران*، کتاب هشتم، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۴۷، ص ۳۵.